



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ اسفند ۱۳۸۸

۲۶ فوریه ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

در حاشیه سوء قصد به جان اسالو

دوشنبه سوم اسفند ماه منصور اسالو در زندان گوهردشت مورد حمله یکی از اوباشان جمهوری اسلامی قرار گرفت که با هوشیاری خود و کمک سایر زندانیان جان سالم بدر میبرد.

هویت فرد جانی سر سوزنی در این ماجرا تغییر نمیدهد که مسئول جان منصور اسالو سران جمهوری اسلامی هستند. همانهایی که برای او پرونده ساختند و دستور دستگیری و ربودن او، دستور حمله با چاقو در مقابل سنديکا به او را صادر کردند. آنهایی که کارگران شرکت واحد و هفت تپه و صدها کارگر و انسان آزادیخواه و برابری طلب را زندانی کرده اند. آنهایی که مزد کارگر را نمیدهند و اعتراض او را با زندان و ارباب جواب میدهند.

حمله به منصور اسالو توطنه آشکار و برنامه ریزی شده مرکز اطلاعات و تلاش آگاهانه دستگاههای امنیتی ایران علیه طبقه کارگر و علیه هر نوع آزادیخواهی است.

درست در شرایطی که شاهد تحرکات جنبش سبز و خیل همراهان آن به نام دفاع از مردم هستیم، در شرایطی که رهبران سبز و سپاه جمهوری اسلامی بر سر سهم خواهی در جنگ و معامله هستند، اعتراض کارگر و زن و انسان حق طلب در این جامعه با تمام توان

صفحه ۳

بیانیه حزب حکمتیست

هشت مارس به مصاف آپارتاید جنسی!

دست ارتجاع اسلامی، از هورنگ، از روز جهانی زن کوتاه!

در آستانه هشت مارس، روز جهانی زن، مقام و موقعیت زنان در سراسر جهان باز زیر نورافکن قرار میگیرد. بار دیگر کيفرخواستها، ادعا نامه ها، چرا ها و پاسخ به چراهای مربوط به موقعیت فردوست زن، مورد بحث و بررسی قرار میگیرد. در عصر انقلاب انفورماتیک و انفجار عظیم و نجومی حجم تولید و مصرف، بار دیگر میلیونها معترض و مبارز آزادی و رهایی زن، در سراسر جهان به میدان میآیند. افشا میکنند، اعتراض میکنند، و پیمان میبندند که وضع

زنان را بهبود دهند، و یا ریشه نابرابری زن و مرد، این عفونت بازمانده عهد جاهلیت و عتیق، را از بیخ و بن برکنند. در ایران هم، جغرافیایی که در آن آپارتاید جنسی علیه زنان سی سال است حکومت میکند، زنان و معترضین به تبعیض و نابرابری زن و مرد به میدان میآیند، کيفرخواستها، توقعات و انتظارات خود را به میان میآورند و مدافعین زن ستیزی را به مصاف میبلیند. در ایران مقام و موقعیت زنان، در زندگی

مظفر محمدی

درد مشترک کارگران جدا از هم در مان نمی شود!

اعتصاب و اعتراضات کارگری در طی این سال ها و تاکنون اساسا برای دریافت حقوق های معوقه است.

تنها در يك ماه و نیم اخیر ما شاهد ده ها مورد اعتصاب و اعتراض کارگری برای دریافت حقوق های معوقه هستیم. اعتصاب، پیکت، بستن جاده ها ، آتش زدن لاستیک و اشغال دفتر مدیریت و ... از جمله تاکتیک های مبارزاتی کارگران

حسین مرادیبگی

طبقه کارگر در اروپای واحد،

در مصاف با سیاست "ریاضت کشی"

جنبش کارگری در کشورهای اروپای واحد خود را برای مقابله با آنچه که سرمایه داران و دول کاپیتالیستی آن را سیاست "ریاضت کشی" می نامند، آماده میکند. اعتصاب کارگران پالایشگاههای متعلق به شرکت توتال در فرانسه، اعتصاب چهار روزه کارگران برجهای کنترل فرودگاههای فرانسه، راهپیمایی کارگران و تحلیبه های کارگری در شهرهای مادرید، بارسلونا و والینسیای اسپانیا علیه بیکاری و بالا بردن سن بازنشستگی و همچنین اعتصاب عمومی کارگران بخش دولتی در یونان که بخشهای هواپیمایی، راه آهن و حمل و نقل

و مرگ، اگر از وضع سیاهان در آفریقای جنوبی، در مقطع حاکمیت آپارتاید نژادی، تحقیر آمیز تر و پست تر نباشد، بهتر نیست. اگر سیاهان در آفریقای جنوبی در چهارچوب خانواده خود، در حاشیه جامعه و محیط فردوست و جدا شده خود، حداقل کنترل رسمی بر روابط شخصی، خصوصی و اجتماعی خود داشتند، زنان در ایران در سایه سیطره کامل قدرت مخرب و انسان ستیز مذهب و اسلام و عروج این قدرت به عنوان ققنون حاکم بر خانواده و روابط مردم، از این هم محروم اند. اگر کودکان سیاه در آپارتاید نژادی در محیط خانواده و در "مدرسه مخصوص سیاهان" از تحرک و آزادی نسبی برخوردار بودند، در ایران کودک دختر از سنین کودکی حتی در محیط خانواده و مدرسه از این حداقل هم محروم است و پوشش، رفتار، و تحرک اش تحت کنترل و تابع مقررات

صفحه ۲

پرداخت دو ماه حقوق خود اعتراض کردند و برای جلب توجه مردم لاستیک های فرسوده را آتش زدند. به دنبال این اعتراض ۹ تن از نمایندگان کارگران توسط مدیریت موقت دولتی اخراج شدند. اما در پی اعتراض کارگران لاستیک البرز، این نمایندگان به سر کار خود بازگردانده شدند.

کارگران شرکت های پیمانکار در پروژه توازن نوب آهن، جلوی ساختمان مدیریت تجمع کردند و برای چندین ساعت پرسنل اداری را در ساختمان محبوس کردند و به کسی اجازه روح از ساختمان ندادند. مدیریت نوب آهن قول داد که اگر بدهی های شرکت پرداخت

صفحه ۴

محروم، پشت سر بگذارند. سیاستی که در یک سال و نیم اخیر به بالا رفتن نرخ بیکاری در بعضی از این کشورها مطابق آمارهای خودشان بالاتر از ده درصد، منجر شده است. سطح زندگی طبقه کارگر به پائین ترین حد خود در چند دهه اخیر رسیده است. تحمیل فقر هرچه بیشتر به طبقه کارگر و کل مردم محروم و دست نخوردن کیسه قطورسرمایه داران ظاهرا تنها راه ممکن برای ادامه و سرپا نگاهداشتن نظام بردگی مزدی در سراسر جهان سرمایه داری است.

همین دیروز گفتند بحرانشان دوره رکود را پشت سر گذاشته است، به جای گشایشی در شرایط سخت زندگی یک سال و نیم گذشته طبقه کارگر

صفحه ۴

بوده است. میتوان گفت که در این زمینه کارگران سنگ تمام گذاشته و بهای سنگینی هم پرداخته اند. به چند نمونه از این مبارزات توجه کنید:

- به دنبال تاخیر ۱۳ ماهه در پرداخت مطالبات کارگران کارخانه صنایع مخازیاتی راه نور ایران (ITI)، کارگران این کارخانه ابتدا جاده منتهی به محل کارخانه را بستند و متعاقبا در دو روز متوالی در مجاورت کارخانه و مقابل استانداری فارس تجمع کردند. تعداد این کارگران این شرکت از ۱۵۰۰ نفر به ۶۰۰ نفر تقلیل یافته اند.

- کارگران لاستیک البرز تهران به عدم را در برمیگرفت، و خشم در حال جوشش کارگران در آلمان از شروع این رویارویی خیر میدهد.

سرمایه داران و دول اروپایی که مانند دیگر سرمایه داران و دول سرمایه داری در سراسر جهان بحران سرمایه داری دو سال قبل را با تعرض به طبقه کارگر و به کمک اخراج و بیکار سازیها، پائین نگاهداشتن دستمزدها و تشدید کار کارگران شاغل تخفیف داده و بنا به ادعای خودشان دوره رکود را پشت سر گذاشته اند، اکنون برآنند که با ادامه و تشدید آنچه خود علنا سیاست "ریاضت کشی" بیشتر نام نهاده اند کل این بحران و دامنه آن را که هر روز عمیق تر میشود، با کشیدن طناب از کرده طبقه کارگر و دیگر مردم

علی مطهری

چپ، جنبش سبز و پایان جنجال بر انگیز یک دوره

صفحه ۳

گزارشی از مراسم بزرگداشت یدالله خسرو شاهی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ہشت مارس به مصاف

و بستہ شدن در بسیاری از مشاغل و بر روی آنها را اضافه کنید! به آن کار غیرقانونی، "تفرین شده" و پست میلیونی زنان تن فروش، کسانی که برای سیر کردن شکم خود و کودکشان راهی جز تن فروشی و اعتیاد برویشان باز نیست، را اضافه کنید! کسانی که کار و معاششان حتی در محاسبات رسمی "خط فقر برای کارگران رسمی و قانونی" جامعه محسوب نمی شود. حجاب سمبل آپارتاید جنسی و پرچم تمام این توحش، اسلامی - مذهبی ضد زن، در ایران است. هدف قرار دادن حجاب و جدایی جنسی، پرچم مبارزه با سیستم آپارتاید جنسی است.

تحمیل این محدودیت ها و انتخاب این "راه حلها" در سیستمی مبتنی بر جداسازی جامعه برحسب جنسیت، ممکن نیست. در سیستم آپارتاید جنسی که جمهوری اسلامی میسر و پیامبر آن است جداسازی دو جنس از انسان، که آمیزش و همزیستی شان شرط بقا طبیعی انسان است، و تحمیل قوانین قرون وسطایی قرآن و شریعت بر مناسبات مردم و بر یک جامعه شهری و صنعتی چون ایران، ممکن نیست، مگر در شکل کنترل تماما فاشیستی بر همه ابعاد و جوانب زندگی خصوصی،

خانوادگی، اجتماعی و حرفه ای مردم از تولد تا مرگ! جداسازی دو جنس و انسان و کشیدن حصار و دیوار میان آنها، در اتوبوس و مدرسه و کارخانه و محل کار و خانه و ورزشگاه و ساحل و محل تفریحات و دخالت در خصوصی ترین زوایای زندگی مردم، ممکن نیست، مگر به شکلی که جمهوری اسلامی علیه سوخت و ساز طبیعی جامعه، سی سال است سرکوب میکند و در حراست از حصارهای آپارتاید جنسی میکشد، شلاق میزند، و میکوبد. و موفق نشده است نسلی از کودکانی که چشم به جهان مفتوح و انسان ستیز جمهوری اسلامی گشوده اند را به تسلیم و رضایت بکشند. نه تنها موفق نشده است که پاپیای احکام و فجلیع زن ستیزانه خود، به جنبش ضداسلامی عظیمی علیه خود شکل داد. آپارتایدی که با هر "تغزیر" و حکم جزای اسلامی که صادر کرد، خشت دیگری بر بنای رفیع انقلاب ضداسلامی گذاشت و آنرا رفیع تر کرد. آپارتاید جنسی متکی به مذهب و خصوصاً اسلام، به مراتب از آپارتاید نژادی متکی به راسیسم، مخرب تر و خشن تر است.

به فاشیسم ضد زن در ایران، زندان و شکنجه و کشتار و تعرض و تحقیر به خاطر بی حجابی، سنگسار و شلاق و اعدام به خاطر رابطه جنسی، را اضافه کنید! به این سیستم سرتاپا ضد زن، فقر عنان گسیخته، بازگرداندن زنان به خانه

بیشتر از قدرت و لفت و لیس، توانسته است بر تن جنبش اعتراضی مردم لباس سبز اسلامی ببوشاند! در شرایط اپوزیسیون، چپ و راست، با توهم تاریخی خود به امکانپذیری تاثیرگذاری بر جنبش های ارتجاعی "از درون"، که هر دو جناح ارتجاع اسلامی، سپاه و سبز، در همکاری کامل، با تحمیل سی سال اختناق سیاسی و فرهنگی و اعمال یک نسل کشی کامل توانستند دست شان را از جامعه کوتاه کنند، "سبز" توانست عروج کند. بخشی از جمهوری اسلامی توانست برموج کینه و نفرت میلیونی جوانان عرصی از توحش اسلامی سوار شود و آن را به زائده جدال خود با بخش دیگری از حکومت تبدیل کند. این حرکت ضد زن، این عقبگرد از حق زن، تحت نام "دفاع از مطالبات زنان" اساساً بر دوش صفی از احزاب و شخصیت های اپوزیسیون بورژوازی، با تقلای روشنفکران و اسپرگرا "قانونی" در داخل و خارج کشور و بر شانه های اپوزیسیون کودن چپ بورژوازی، به میدان آمد. چپی که حق زن و آزادی و تلاش چندین دهه صف برابری طلبی زن و مرد را دستمایه تقویت جناح سبز بورژوازی در حکومت کرد. در این شرایط که به صف مدافعین حقوق زن، طرفداران آزادی و برابری این عقب نشینی موقتی تحمیل شده است، جدا کردن صف خود از عوامفریبان و دشمنان مردم، یکی از پیش شرط های مبارزه در راه رهایی زن است.

نناید اجازه داد هشت مارس امسال به مراسم "بیعت" با رهبران اسلام سبز تبدیل شود. موسوی، رهنورد و کروی و رفسنجانی دست در دست خامنه ای و احمدی نژاد، مبشر، ببنانگزار و سازندگان آپارتاید جنسی در ایران اند. موسوی و کروی و زهرا رهنورد در رکاب رهبرشان خمینی، رهبران سنت روز فاطمه زهرا و تاسوعا و عاشورا و جهاد با کفار و حجاب اند! روز زن این مرتجعین روز تحمیل حجاب، جشن تکلیف کودکان خردسال، سنگسار و شلاق و سیغحه و تعزیر و روز فاطمه زهرا است. نناید اجازه داد هشت مارس را مصادره و از آن علیه جنبش آزادی و رهایی زن استفاده کنند.

بنام جنبش سبز اعلام شده است که "هشت مارس فرصتی است برای همراه کردن زنان رنج دیده سرتاسر ایران، با جنبش سبز!!" و بی تردید باز صفی از دگراندیشان و فعالین نان به نرخ روز خور بنام طرفداری از "صلح" و مخالفت با "خشونت"، در مقابل طرح مطالبات رادیکال زنان سدی خواهند بست! این ها از پیش همراه رهبرشان برگه مشروعیت تعرض دستجات بسیج و سپاه و اوباش اسلامی به کسانی که احیانا مطالبات

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

۴ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۳ فوریه ۲۰۱۰

گرامی باد روز جهانی زن

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست



علی مطهری

چپ، جنبش سبز و پایان جنجال بر انگیز یک دوره

از عاشورا تا ۲۲ بهمن

برنامه های سازمان رهایی زن به مناسبت روز جهانی زن

استکهلم: شنبه ۶ مارس سخنرانی، نمایشگاه عکس

بیگنگی ناسیونالیسم ایرانی با جنبش رهایی و برابری طلبی زنان- سوسن هجرت

دست مذهب و سنن ارتجاعی از زندگی زنان و دختران کوتاه- مریم افراسیابپور

ارتجاع سبز، جنبش زنان بیزار از آپارتاید جنسی نیست- پری زارع

گوتنبرگ: جمعه ۵ مارس سخنرانی، موزیک

دوشنبه ۸ مارس تظاهرات در مرکز شهر

وسترس: دوشنبه ۸ مارس

سخنرانی: وضعیت جنبش زنان در ایران سخنران مریم افراسیابپور

زوریخ: شنبه ۶ مارس سخنرانی، نمایش فیلم

اسلو: دوشنبه ۸ مارس

شرکت در مراسم سخنرانی، میتینگ و سپس راهپیمایی به طرف پارلمان

کلن: شنبه ۶ مارس

سخنرانی مارس امسال، روز نه به ارزشهای اسلامی سر تا پا زن سبیز و روز نه به رژیم اسلامی ضد زن!

سخنرانان: لادن داور - هملیون گداگر
جنوب کالیفرنیا: شنبه ۶ مارس،

سخنرانی: نسبییت فرهنگی و بیربطی آن به حقوق زن، شعر و موسیقی

سخنران: فیروزه فرهی

لندن: یکشنبه ۷ مارس

تظاهرات از سفارت جمهوری اسلامی به طرف میدان ترافالگار

چپ پوپولیست آنچنان از تحرک تودها و میلیتانتی جوانان زیر پرچم سبز در عاشورا به وجد آمد که خود را در چند قدمی تسخیر قلعه در سالروز قیام بهمن دید. لذا به تخیلات خود که گویا این جنبش رادیکال شده است باور پیدا کرد. اعلام کرد تا یکسره شدن کار رژیم فاصله چندانی نیست، گفتند ۲۲ بهمن امسال روز انقلاب، روز تسخیر مراکز دولتی و شکستن درهای زندان است. لاتاری که به آن دل بسته بودند برنده نشد و اوتویی چپ پوپولیست تحقق پیدا نکرد. تاریخ بار دیگر بی ربطی این چپ را به منافع مردم انقلابی، به منافع زن و جوان آزادیخواه به نمایش گذاشت. جا دارد این تجربه تلخ توسط کمونیست ها و کارگران پیشرو وسیعاً مورد توجه قرار گیرد و از آن آموخت. چپ پوپولیست در این دوره در مخشوش کردن اذهان جامعه نسبت به جنبش سبز سنگ تمام گذاشت. اینها به تئوریزه کردن یک جنبش ارتجاعی به نام انقلاب، به نام سوسیالیسم و به نام آزادیخواهی پرداختند و در چشم کارگر و زن و جوان آزادیخواه خاک پاشیدند. امروز نیز برای برانیت خود دست بردار نیستند. ۲۲ بهمن ۸۸ اگر از نظر سران سبز اشتباهی تاکتیکی بوده است، اما برای این چپ شکستی استراتژیک بود.

مستقل از رهنمودهای چپ به این جنبش، حرکت سبز تاکتیک بخشی از بورژوازی ایران بود که به افق مردم معترض تبدیل شد. تاکتیک خوب و بد، پیشروی و پسروی، شکست و پیروزی این جنبش هیچ ربطی به کارگران و مردم منتظر از جمهوری اسلامی ندارد. باید کاری کرد که طبقه کارگر و مردم آزادیخواه متوجه عمق این مهندسی که طی پروسه هشت ماهه توسط کل بورژوازی داخل و خارج و چپ پوپولیست قنیم و جنید جهت محق جلوه دادن این حرکت ارتجاعی صورت گرفت بشوند. کمونیست های طبقه کارگر از روز اول ماهیت این جنبش و افق حاکم بر آن را به درستی افشا نمودند. کارگران را به ایجاد صف مستقل و توده مردم را به ترک صفوف این جنبش و پیوستن به افق رهای انسان از بردگی مزدی دعوت نمودند.

اما بیاتیه موسوی آب سردی به امیدهای واهی بخش متوهم ریخت و زمینه تعرض جناح میلیتانت جنبش سبز را به رهبران این جنبش که قبلاً نمی خواستند با آنها کشتی بگیرند، مهیا نمود. برعکس تخیلات چپ پوپولیست میلیتانتی روز عاشورا هیچ قدمی در تسهیل سرنگونی رژیم نبود، بلکه زمینه سازش جناح سبز را فراهم نمود.

در ثانی میلیتانتی که در خدمت قدرت یابی جناحی از جمهوری اسلامی قرار گیرد، چه خدمتی به به کارگر، زن و جوان منتظر از جمهوری اسلامی خواهد کرد. رهبران این جنبش میخواستند رژیم اسلامی سرمایه را در یک نقطه تعادل جدید سر پا نگاه دارند و اعتراض مردم در روز عاشورا را دست ملیه فشار به جناح حاکم جهت ایجاد شرایط حداقلی قرار دهند که در آن به سهم نا چیزی از قدرت دست یابند و عقب نشینی آبرومندانه ای را شروع کنند. در عوض طرف مقابل شمشیر خونین اسلام را در دفاع از روش و راه حل خود جهت حفظ نظام سرمایه از روست و با وجود فشار اعتراضات مردم متوهم به سبز و حمایت دول غربی و اپوزیسیون راست و چپ، حاضر نشد به این خیال پردازی گردن بگذارد.

رهبران این جنبش در مقابل جناح حاکم پله ای دیگر عقب نشستند و به سهم ناچیزی از ثروت تولید شده توسط طبقه کارگر و برسمیت شناختن جریان سبز رضایت دادند. این تواضع و حق شناسی نه تنها دل خامنه ای را به رحم نیلورد بلکه او را در پا فشاری بر موضع خود جری تر کرد. با وجود این رهبران جنبش سبز مردم را به مدارا و سکوت در روز ۲۲ بهمن دعوت کردند و سلب مسئولیت خود را در مقابل تدروری بخش میلیتانت خود اعلام کردند. از مردم خواستند در کنار برادران پاسدار و هواداران جناح سیاه جمهوری اسلامی رژه سالروز قیام را اجرا نمایند. اما از انصاف نگذریم به مردم یاد آور شدیم که مبدا شالهای سبز، این تفاوت مهم با اسلام سیاه را فراموش نمایند! این تحرک البته از جانب چپ بورژوائی انقلاب نام گرفت.

۲۲ بهمن ۸۸ برای چپی که بارونیدیل سفر به نیار را بعد از یکسره شدن تکلیف رژیم توسط قیام سبز آماده کرده بود و تحقق اوتویی هشت ماهه خود را به آن گره زده بود، روز نفس گیر و نا امید کننده ای بود. چرا که رشته ای را که برای این روز بافته بودند تماماً پنبه شد و فراخوان شان بی حاصل و بی نتیجه ماند.

این که میتوان بدون برانداختن انقلابی، بدون مبارزه طبقاتی، تنها از راه میلیتانتی آن هم در یک جنبش با پرچم و رهبری جناحی از خود رژیم آنرا سرنگون کرد و یا بخش ناچیزی از مطالبات مردم را تأمین نمود، توهمی بیش نیست. کمونیست ها خواهان انقلاب کارگری هستند و این با سازمان دادن طبقه کارگر، با اتحاد صفوف این طبقه، با به میدان آمدن بخش قابل توجهی از آن زیر پرچم و سیاست روشن و انقلابی ممکن است.

چپ پوپولیست به درون جنبشی خزید که ارتجاع از تمام منافذ آن بیرون زد. خصوصیات، روش، نوع مبارزه و فضای سنگین این جنبش کوی و برزن، دانشگاه و محیط کار را فرا گرفت و مبارزات رادیکال را به حاشیه راند. گفتار و فضای درونی جامعه نشان از تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی امروز و منعکس کننده واقعیات متفاوت از دوسال قبل میباشند. در آن زمان مبارزات رادیکالی چه در اجتماع و چه دانشگاه در جریان بود و فضای سیاست در ایران را تحت تاثیر خود قرار داده بود. اما دوره اخیر با سرکوب انقلابیون و کمونیستها مناسبتهای ارتجاعی چون عاشورا، نماز جمعه رفسنجای، روز قدس و مراسمهای دولتی ۲۲ بهمن به فضای سیاست در جامعه ایران شکل داد و اعتراض رادیکال کاملاً حاشیه ای شد. این فضا با میلیتانتی روز عاشورا اوج خود را از سر گذراند، بخشی از جوانان معترض در این روز فعالیت خود را بی قدرت نمودن ولی فقیه و سست نمودن پایه های آن قرار دادند تا بلکه اوتویی لیبرالیزه شدن مسالمت آمیز رژیم اسلامی را جامه عمل بپوشانند.

جمهوری اسلامی و تعرض به زندانیان سیاسی بست.

در هر کارخانه و کارگاهی، در هر مدرسه و محل کار و مدرسه ای، علیه این توطئه جنایتکارانه رسماً و علناً اعتراض کرد، بی تردید جمهوری اسلامی را سر جای خود خواهیم نشاند. باید در داخل و خارج کشور به کمک همه نهادها انسان دوست و اتحادیه های کارگری و به کمک مردم آزادیخواه صافی محکم در مقابل گستاخی

این درس ابتدائی را به خودآگاهی طبقه کارگر تبدیل کرد، که جنبش سبز و هر جنبش بورژوائی با تمام جنگ و جدال با جناح سیاه جمهوری اسلامی، در سرکوب طبقه کارگر و در سرکوب آزادی و برابری انسان، در یک صف خواهند ایستاد.

اگر در هر تجمع و اعتراض کارگری،

در حاشیه سوء قصد به

سرکوب خواهد شد.

دفاع از منصور اسالو و اعتراض به توطئه های جمهوری اسلامی علیه او و سایر زندانیان سیاسی وظیفه هر کارگر آگاه و هر انسان آزادیخواهی است. باید

گزارشی از مراسم بزرگداشت

یدالله خسروشاهی

پیگر یدالله خسرو شاهی، از فعالین برجسته جنبش کارگری ایران و از نمایندگان کارگران نفت در دهه پنجاه، روز ۱۹ فوریه با حضور خانواده و بستگان و بیش از ۲۰۰ نفر از یاران و دوستاران او، در فضایی آکنده از احترام، با شکوه تمام در "گورستان ترنت پارک" لندن به خاک سپرده شد.

مراسم با موسیقی شروع شد، حاضرین به یاد این انقلابی و رفیق و عزیز خود یک دقیقه سکوت کردند. مراسم با خوشامدگویی حاضرین از جانب خانواده و فرزندان یدالله و ایراد سخنانی به یاد عزیز یدالله ادامه یافت. پرواز دادن کبوتر و گلباران کردن پیگر یدالله و نوشیدن شراب به یاد او و سرانجام خواندن سرود انترناسیونال بخشی از این مراسم بود.

مراسم بزرگداشت یدالله خسرو شاهی شامگاه همان روز در لندن و در حضور بیش از ۳۵۰ نفر از بستگان و یاران او برگزار گردید. در این اجتماع بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، فعالین اجتماعی، اعضا و فعالین احزاب مختلف سیاسی حضور داشتند. بعد از یک دقیقه سکوت فرزندان یدالله درمورد شخصیت و فعالیت این انسان بزرگ و خاطرات خود از یدالله پرداختند و یاد پدر عزیز و یار و رفیق گرامی خود را ارج نهادند. در این مراسم اسلایدهایی شامل تصاویر یدالله از نوجوانی تا روزهای پایانی زندگی او همراه با پخش ترانه‌ها و آهنگ‌های مورد علاقه اش نشان داده شد. بعد از آن فیلمی که در پیوند با درگذشت یدالله تهیه شده بود، نمایش داده شد. در این فیلم بخش‌هایی از گفتگوی اعضای خانواده یدالله که از احساسات و خاطرات زندگی خود و او سخن می‌گفتند پخش گردید که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

فرید پرتوی از فعالین "اتحاد بین

المللی در حمایت از کارگران در ایران" و از همکاران نزدیک یدالله در سخنرانی خود در این مراسم با اشاره به نقش مهم و کلیدی یدالله در گسترش و تداوم "اتحاد بین المللی" در ده سال گذشته، از فعالینهای خستگی ناپذیر او از جمله در جلب حمایت‌های بین المللی از مبارزات کارگران ایران یاد کرد. فرید به جایگاه یدالله در جنبش کارگری پرداخت و او را از فعالین و رهبران کارگری و سوسیالیست برجسته ای دانست که تا آخرین لحظه زندگی در راه ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و علیه کل نظام سرمایه داری مبارزه کرد.

در این مراسم دوستان و رفقای یدالله و همچنین تعدادی از شرکت کنندگان با بیان خاطرات خود از یدالله خسروشاهی یادش را گرامی داشتند. ایرج جنتی عطایی، ترانه سرا و شاعر مشهور، اشعاری به یاد یدالله و در بزرگداشت او برای حاضران خواند.

پیامهای فراوانی از جانب رفقای یدالله، فعالین سیاسی از کشورهای مختلف، احزاب سیاسی مختلف برای مراسم یدالله ارسال شده بود. از میان پیامهای رسیده از ایران میتوان به پیام علی نجفی رئیس هیئت منیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفته تپه، از زندان، پیام سندیکای کارگران شرکت واحد و کارگران ایران خودرو و شورای زنان اشاره کرد. در مراسم پیام کنفدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فرانسه (ث ژ ت) نیز قرائت شد.

مراسم گرامیداشت یدالله خسروشاهی با سرود انترناسیونال پایان یافت.

خوانندگان کمونیست میتوانند برای اطلاع بیشتر به سایت یدالله خسروشاهی مراجعه کنند:

www.ykhosroshahi.com

یاد یدالله خسروشاهی همیشه زنده است (این گزارش بر مبنای اطلاعیه "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" تنظیم شده است.)

درد مشترک کارگران....

شود، حقوق معوقه ۶ ماهه کارگران را می‌دهند!

- کارگران نساجی بافقه‌های کرمان در اعتراض به اخراج ۱۸ نفر از کارگران و تصمیم مدیران شرکت برای انحلال شرکت جاده‌ها را بستند.

- کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد اعتصاب کردند.

- کارگران معترض، تونل توحید در تهران را بستند.

- ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت آونگان اراک سر کار خود حاضر نشدند و در اعتراض به اینکه شش ماه حقوق نگرفته‌اند، در خیابان‌های اصلی شهر اراک راه افتاده و مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

- اعتصاب رانندگان کامیون‌های حمل و نقل نوب آهن که بالغ بر ۴۰۰ تن بودند و ۴ ماه حقوق‌شان را نگرفته بودند باعث شد که نومه حقوق آنها پرداخت شود...

سرمایه داران و دولت کارگزارشان، متفق القول اند که باید هم سوددهی بیشتر سرمایه‌ها و هم جبران خسارت بخش‌های ورشکسته و بیمار اقتصاد را بر نوش طبقه کارگر بگذارند. از جمله برای کم خرج تر کردن تولید و افزایش سود سرمایه داران دستمزدها را پایین نگه دارند، با صد در صد کردن قراردادهای موقت کار، بیمه‌های اجتماعی و بیمه بیکاری را بزنند، هرچا لازم شد نیروی کار را تقلیل داده و به اصطلاح آن را تعدیل کنند و دست کارفرماها را برای اخراج کارگران باز بگذارند و بالاخره دستمزد کارگران را دلخواهی ببرازند. عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگر در حقیقت یک گام از بردگی صرف عقب تر است.

سرمایه داران، بحران اقتصادی و کاهش تولید را بهانه تعرض به دستمزد کارگر و حتی نپرداختن آن قرار می‌دهند. اظهارات معاون وزیر کار مبنی بر این که یخچال فریزر کارگران پر است نوعی زمینه‌سازی برای عدم افزایش حداقل مزد کارگران برای سال

۱۳۸۹ است. آن هم در شرایطی که حداقل دستمزد کارگران یک سوم خط فقر اعلام شده است. بنا بر آمار رسمی نزدیک به دو میلیون و نیم کارگر قراردادی تنها در بخش خصوصی کار می‌کنند و فقط ۳۰ هزار کارگر قراردادی دارای بیمه بیکاری هستند. در میان حدود چهار و نیم میلیون کارگر دارای قرارداد دائمی هم بنا بر آمار رسمی تنها نزدیک به نیمی از آنها از بیمه بیکاری برخوردارند. از طرف دیگر با اعلام توقف تولید در ۴۰ درصد کارخانه‌های کشور، دسته دسته کارگران بیکار می‌شوند. گفته می‌شود که نصد هزار نفر از کارگران صنعت برق در آستانه بیکاری قرار دارند.

حذف یارانه‌ها و دورنمای تورم و گرانی بیشتر طبقه کارگر را در منگنه شدید اقتصادی و فقر و گرسنگی و فلاکت محض قرار می‌دهد. همزمان سرکوب تشکل‌های کارگری و اخراج و دستگیری و زندانی و شکنجه کردن رهبران و فعالین کارگری تشدید می‌شود. آخرین مصوبه شورای عالی کار بنا بر اعلام وزارت کار مربوط به ترویج آیین نامه انضباطی ناظر بر فعالیت کارگران و جلوگیری از افزایش اعتراضات کارگری است.

این‌ها دردهای مشترک طبقه کارگر اند و تجارب سه دهه اخیر نشان داده است که جدا از هم درمان نمی‌شوند.

در چنین اوضاعی، اعتراضات پراکنده و جدا از هم کارگری بر سر حقوق‌های معوقه، جز در موارد نادری به دریافت این حقوق‌ها نیز منجر نشده و اغلب اخراج و بیکارسازی‌های وسیع و دستگیری و اخراج فعالین کارگری را به دنبال داشته است. این واقعیت تلخ نشان می‌دهد که جنبش اعتراضی طبقه کارگر به یک اتحاد در صفوف فعالین و رهبران کارگری و تلاش کارگران سوسیالیست برای بهم بافتن مبارزات کارگری و سازماندهی یک جنبش عظیم طبقه‌ای از طریق برپایی مجامع عمومی بزرگ کارگری برای افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت کار و بیمه بیکاری مکفی به همه بیکاران که درد مشترک کل طبقه کارگر است، نیاز دارد.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم